

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه*

زینب سیاه‌پوش^۱

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی

سید محمدباقر نجفی^۲

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی

جمال فتح‌اللهی^۳

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی

یوسف محمدی‌فر^۴

استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

چکیده

تحقق اقتصاد دانش‌بنیان مستلزم وجود پیش‌نیازهای فرهنگی مناسب است. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان با بهره‌گیری از چارچوب نظری نهادی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های موردنیاز به کمک پیمایش جمع‌آوری شد. مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش، با رجوع به ادبیات موضوع و اسناد بالادستی جمع‌آوری و از طریق مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان موضوع پالایش و انتخاب شد. اولویت‌بندی این شاخص‌ها به کمک روش تحلیل سلسله‌مراتبی انجام شد. بدین منظور پرسشنامه‌های مقایسات زوجی توسط ۲۰ نفر از متخصصین تکمیل و از طریق نرم‌افزار اکسپرت چوئیس استخراج گردید. بر اساس نتایج این پژوهش، مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و اهمیت هر یک به ترتیب عبارت است از:

* - مقاله پژوهشی

1- Zeynab.Siahpoosh@gmail.com

۲- نویسنده مسئول: Najafi122@razi.ac.ir

3- jfathollahi@gmail.com

4- yosefmohamadifar@gmail.com

DOI: 10.22067/erd.2021.18822.0

آموزش (۰/۲۸)، عقلانیت (۰/۱۴)، مهارت تفکر (۰/۹/۶)، عدالت (۰/۸/۶)، اخلاق (۰/۸/۱)، ذهنیت‌های فرهنگی (۰/۷/۵)، نظم (۷/۴)، تعاملات (۰/۶/۲)، استقلال (۰/۶/۲) و فرهنگ عینی (۰/۴/۶).

کلیدواژه‌ها: دانش، فرهنگ، نهاد، اقتصاد دانش‌بنیان، AHP

طبقه‌بندی JEL: O3، B25، Z1، D8

مقدمه

امروزه، دانش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تولید و عامل ارزش‌افزوده در اقتصاد نوین شناخته شده است (Fathollahi et al., 2015). در حقیقت دانش، محرک رشد اقتصادی و موتور قدرتمند تولید محسوب می‌شود که توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به ارمغان می‌آورد (Sadiku et al., 2017, p. 291). به عبارتی، امروزه معیار رقابت کشورها بر اساس منابع طبیعی و زمین سنجیده نمی‌شود بلکه دانش حرف کلیدی را می‌زند و این عصر، عصر منابع انسان‌ساخته بر پایه دانایی و توانایی‌های مغزی است (Thurow, 2002, p. 21). برجسته شدن نقش دانش در فرآیند تولید، ساختار اقتصاد دانش‌بنیان^۱ را پدید می‌آورد. مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲، مطرح گردید (OECD, 1995).

طبق تعریف این سازمان، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. صنایع دانش‌بنیان، صنایعی هستند که در آن‌ها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب‌شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است (OECD, 1996, p. 7)؛ بنابراین اقتصادی که به نحو مطلوبی به تولید، اشاعه و بهره‌برداری از دانش می‌پردازد تا فرآیند توسعه اقتصادی را تسریع نماید، یک اقتصاد دانش‌محور است و در آن دانش به مفهوم یک سرمایه فکری، عنصر اصلی تولید است (Bedford, 2013, p. 278).

1- Knowledge Based Economy

2- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

تحقق این الگوی نوین توسعه، نیازمند برخی تغییرات فرهنگی است. تحول فرهنگ جامعه به‌عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین زیرساخت نهادی به‌منظور ایجاد ساختار اقتصاد دانش‌بنیان محسوب می‌شود. در واقع فرهنگ به‌عنوان نقطه آغاز حرکت توسعه به‌شمار می‌رود (Motevasseli & Fathollahi, 2010, pp. 36-37). از این رو توسعه فرهنگی، یکی از پیش‌شرط‌ها و آرمان‌های بنیادی تحقق توسعه در هر جامعه است (Babaei Fard, 2010, p. 9). فرهنگ، در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار، به‌عنوان بعد چهارم پایداری و حتی بعد مرکزی توسعه پایدار مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. طبق اظهار یونسکو، فرهنگ در سطح جهانی به‌عنوان یک عنصر توانمند ساز و پیش‌ران توسعه پایدار محسوب می‌شود (UNESCO, 2016). همچنین توسعه فرهنگ محور، شامل طیف وسیعی از مزایا مانند شمول اجتماعی بیشتر، انعطاف‌پذیری، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی برای افراد و جوامع و استفاده از منابع محلی، مهارت‌ها و دانش است (UNESCO, 2012). دست یافتن به الگوی اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند پیش‌نیازهایی است، همچنان که استیگلیتز (Stiglitz, 1999) می‌گوید؛ یکی از اولین و مهم‌ترین آن‌ها، تأمین پیش‌نیازهای فرهنگی و تحقق عوامل فرهنگی مؤثر در این راستا است. به‌عبارت‌دیگر، عوامل فرهنگی یکی از ضروری‌ترین عوامل و پیش‌نیازهای تبدیل اقتصاد ایران و استان کرمانشاه به یک اقتصاد دانش‌بنیان، پویا، مقاوم، توانمند و رقابتی در سطح کشور است. هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی و تعیین عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش را می‌توان بدین صورت بیان کرد: مهم‌ترین عوامل فرهنگی مؤثر در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه کدام‌اند؟ و میزان اهمیت هر یک از آن‌ها در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه به چه ترتیب است؟ در صورت تحقق هدف پژوهش می‌توان امید داشت که ضمن کاهش خلأ نظری در این حوزه، امکان ارائه راهکارهای عملیاتی به بازیگران این حوزه فراهم شده و با بهره‌گیری عملی از این مفاهیم در برنامه‌های توسعه مسیر، برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان هموار گردد.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش نحوه تأثیرگذاری فرهنگ و عوامل فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخورداری از یک چهارچوب مناسب رژیم نهادی برای تسهیل

ارتباطات متقابل بین بخش‌های مختلف یک اقتصاد دانش‌بنیان لازم و ضروری است (Schiliro, 2012). رژیم نهادی از قواعد رسمی (احکام، قوانین و مقررات یا قانون اساسی)، محدودیت‌ها (نهادها)ی غیررسمی (میثاق‌ها، هنجارهای رفتاری، اخلاق و رسوم) و ویژگی‌های اجرایی هر یک تشکیل شده است (North, 1996b). نهادهای غیررسمی، محدودیت‌هایی است که جنبه قانونی ندارند و از الزام قانونی برخوردار نیستند اما باین حال در تعیین چارچوب انتخاب‌های افراد نقش فعال ایفا می‌کنند. این‌ها قواعد و محدودیت‌های تصمیم‌گیری غیررسمی و نانوشته هستند (Motevaseli & Najafi, 2009, p. 93) و از اطلاعاتی که به طرق اجتماعی انتقال می‌یابند، سرچشمه می‌گیرند و بخشی از میراثی را تشکیل می‌دهند که فرهنگ می‌نمایم (North, 1990, p. 77). این نهادها در سطح ریشه‌دار اجتماعی تأثیر می‌گذارند که البته مذهب نقش عمده‌ای در آن ایفا می‌کند (Williamson, 2002). استیگلیز نیز بر اهمیت فرهنگ، دانش و تغییر در شیوه تفکر تأکید می‌کند و معتقد است که نهاد فرهنگ، نقش اساسی در روند توسعه ایفا می‌کند و تغییر در نهاد فرهنگی، باید اقتصاد دانش‌محور جدید را همراهی کند (Stiglitz, 1999). در ادامه شاخص‌های فرهنگی اثرگذار بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان تشریح می‌شود.

اخلاق: «واژه اخلاق به معنای تمیز، سنجش یا گزینش طرز رفتار و برخورد با امور بر مبنای حقانیت یا نادرستی احتمالی است» (Mahmudian, 2002, p. 44). ارزش‌های اخلاقی، باورهای پایدار و ریشه‌داری است که شخصیت انسان را شکل می‌دهند و رفتار افراد بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرد (Todaro:2014, p. 20). ارزش‌های اخلاقی طیف گسترده‌ای دارند. این پژوهش صرفاً به ارزش‌های تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی افراد و جوامع می‌پردازد. برخی ارزش‌های اخلاقی تأثیرگذار بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان عبارتند از: فصل الخطاب بودن علم و دانایی، احساس مسئولیت افراد نسبت به تمام رفتارهای خود، اجتناب از تصدی و مداخله در امور غیر تخصصی، صداقت و درستکاری، ممنوعیت فرصت‌طلبی (تقدم منافع اجتماعی بر منافع فردی) و سواری مجانی و روحیه دگر خواهی (Fathollahi et al., 2015).

عقلانیت: عقلانیت یعنی توجه به اندیشه، تفکر و عقاید انسان و شیوه تعامل این عقاید. عقلانیت شالوده‌ای است که کل بنیان ذهنی یک فرد، بر پایه آن استوار است (Motevaseli et al., 2018, p. 203). عقل و تفکر یک پایه مهم و اساسی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بدون حاکمیت عقل و تفکر در جامعه بسیاری از امور از جمله برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری

همراه با احساس و تعصب همراه می‌شود و توسعه هموار نمی‌گردد؛ بنابراین برای تحقق توسعه در جامعه، تفکر و تعقل و پرورش ذهن محاسبه‌گر باید حالت همگانی پیدا کند و افراد چنان آموزش ببینند که در برخورد با جزئی‌ترین امور تا کلان‌ترین امور به قوه عقل و تفکر اتکا کنند (Sariolghalam, 2007, pp. 107-260). عقلانیت یکی از پیش‌نیازهای مهم تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در یک جامعه است. عقلانیت به ۸ بعد اصلی قابل تقسیم است که عبارتند از: تفکر و تأمل، عبرت‌آموزی، نقدپذیری، علم‌باوری در حل مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مطالعه، استفاده از تجارب علمی، به‌کارگیری نخبگان و مبتکران، منزلت اجتماعی دانش و دانشمند، جایگاه تحقیق و پژوهش، نگرش برنامه‌ای، خلاقیت و نوآوری، گسترش روحیه ابتکار و نوآوری، ارزش دانستن ابتکار و نوآوری، فرهنگ حمایت از نوآوری، کارآفرینی و خلق ثروت، حرفه‌ای‌گرایی، بهره‌وری.

عدالت: واژه عدالت در لغت به معنای توازن، برابری، میانه‌روی و انصاف و استقامت است و هریک از این معانی به جهت اقتضائات خاص عدالت به کار گرفته شده‌اند. مشهورترین تعریف عدالت، رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر ذی‌حق به اوست (Eyvazlou, 2005, p. 64). عدالت شامل ۴ بعد اصلی عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت قضایی و عدالت فرهنگی است.

نظم: نظم در لغت به معنای آرایش، ترتیب و توالی است (Chalabi, 2015). رویکرد این پژوهش بر حوزه فرهنگ استوار است و فرهنگ نیز در بطن اجتماع و ارتباطات افراد موضوعیت می‌یابد بنابراین باید به نظم اجتماعی که ارتباطات و تعاملات افراد در سایه آن انجام می‌گیرد، تمرکز نمود. شاخص نظم اجتماعی را می‌توان از سه بعد قانونمندی (قانون‌گرایی)، تعهد به هنجارهای مشترک و امنیت اجتماعی موردبررسی قرار داد. هر یک از ابعاد مذکور دارای مؤلفه‌هایی بدین شرح است: قانون‌گرایی: احترام به مالکیت مادی و فکری، پایبندی حکومت به قانون و حقوق اشخاص، عمل به تعهدات قانونی (داخلی - بین‌المللی)، تعهد به هنجارهای مشترک: وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، اصالت دادن به حق در مقابل اشخاص، امنیت اجتماعی: امنیت جان، مال، ناموس و حریم شخصی افراد جامعه، امنیت مرزهای جغرافیایی کشور و پیشگیری از وقوع بزه، جرائم سازمان‌یافته و

آموزش: سرمایه انسانی، عامل مهم و کلیدی در رشد اقتصادی مدرن محسوب می‌شود. رشد

اقتصادی جوامع تنها بستگی به میزان جمعیت نیروی کار ندارد بلکه به مهارت و کارایی آن متکی است. بهبود در کیفیت نیروی انسانی موجب می‌شود که از یک طرف عامل کار ماهرتر، کارآموده‌تر و توانا تر گردد و از طرفی دیگر؛ بهبود و پیشرفت در دانش و تکنولوژی نیز سبب می‌شود تا عامل سرمایه کارا تر و مولد تر عمل کند. بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که گسترش کارایی و بهره‌وری در هر دو عامل تولید، ناشی از آموزش و پرورش و پیشرفت دانش فنی است (Taghavi & mohammadi, 2006, p. 20). آموزش نوعی یادگیری مادام‌العمر است که تمایل به آماده‌سازی جامعه برای ایجاد سطح بالاتری از تقاضا در اکتشاف دانش دارد. بی‌تردید، آموزش، نحوه تفکر و رفتار فرد را بهبود می‌بخشد و باعث ترویج انسجام اجتماعی، کاهش شکاف درآمدی و کاهش میزان جرائم یک کشور می‌شود (Chun et al., 2017).

استقلال علمی: استقلال شامل ابعاد گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است که این پژوهش بر استقلال علمی تمرکز شده است. استقلال علمی^۱ در جامعه اشاره به توانمندی آن جامعه در عرصه علمی دارد که زمینه توسعه و پیشرفت آن جامعه را به ارمغان می‌آورد. زمانی که جامعه جایگاه ویژه‌ای به علم می‌دهد آن جامعه رنگ و خوی علمی به خود می‌گیرد و بسیاری از امور در سایه اتکا به علم اداره می‌شوند. در جامعه‌ای که علم مبنا قرار گیرد، استدلال تخصصی به تدریج بر اذهان و اندیشه رسوخ می‌کند و مانعی جدی علیه رفتارهای سلیقه‌ای به شمار خواهد آمد. همچنین علم به انسان کمک می‌کند تا ذهن‌گرایی و اصلاح‌ناپذیری به سوی عینیات، محاسبه، بهبود و تصحیح و انتقادپذیری حرکت کند» (Sariolghalam, 2007, p. 56). این شاخص شامل مؤلفه‌های: احترام به فکر و اندیشه، اعتقاد به توان خودی در توسعه علمی و صنعتی کشور، اهتمام به کشف استعدادها و خلاقیت‌ها و تربیت نیروی انسانی، گسترش روحیه پژوهش و ابتکار، احترام به فکر و اندیشه و اهتمام به تولید علم و جنبش نرم‌افزاری.

تعاملات فرهنگی: امروزه رابطه متقابل و دوسویه فرهنگ و ارتباطات بر کسی پوشیده نیست. فرهنگ و ارتباطات، محکوم به همزیستی و رابطه جدایی‌ناپذیر دارند. ارتباطات، محصول فرهنگ است و فرهنگ نیز مشخص‌کننده رمز، ساختار، معنا و زمینه ارتباطی است. از طرفی، ارتباطات

مسیر زندگی فرهنگ است به گونه‌ای که هیچ فرهنگی بدون ارتباطات قادر به بقا نیست. حتی می‌توان گفت که بدون ارتباطات، فرهنگی نخواهد داشت (Boeren, 2000, p. 120). در عصر مدرن، که اطلاعات و دانش به‌عنوان منبع قدرت تلقی می‌شوند، رسانه به‌عنوان قدرتمندترین و کارآمدترین ابزار به‌شمار می‌رود، همچنین نقش برجسته‌ای در ایجاد ارتباطات، انتقال اطلاعات و دانش برای افراد جامعه فراهم می‌کند. به عقیده کارلسون و همکارانش، رسانه به‌عنوان دروازه‌ای است که انتقال فرهنگ به افراد از طریق آن ایجاد می‌شود؛ اگرچه محتوای رسانه یک عنصر فرهنگی محسوب می‌شود (Carlsson et al., 2008, p. 126).

مهارت تفکر: تودارو^۱ با اشاره به اظهارات پاول رومر^۲، بر این باور است که یکی از تمایزات عمده، میان کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته‌ها به شکاف فکری برمی‌گردد. به این معنا که توسعه‌نیافته‌ها فاقد افرادی هستند که دارای مهارت‌های فکری و مدیریتی هستند. توماس دیکسون^۳، این تمایز را با عنوان شکاف تیزهوشی توضیح می‌دهد. به اعتقاد وی، هسته اصلی خلق ثروت و توسعه به بهره‌مندی از افرادی برمی‌گردد که توانایی به‌کارگیری افکار نوآورانه برای حل مشکلات اجتماعی و فنی تجربی را دارا هستند (Todaro, 2014, pp. 88-89). عظمتی نیز، دستیابی به توسعه را در گرو برخورداری از سیستم آموزشی می‌داند که کنجکاو فطری کودک را به کنجکاو علمی تبدیل نماید. چراکه کودکان به‌طور فطری کنجکاو هستند و اگر این کنجکاو فطری خفه شود، ضد توسعه است (Azimi, 2012, p. 405). به این دلیل که قدرت تفکر خلاق که سنگ بنای نوآوری است از همان ابتدا از افراد سلب می‌گردد. به عبارتی، پرورش کنجکاو فطری به ایجاد ذهن خلاق و نوآور در کودکان کمک شایانی می‌نماید. از آنجایی که تفکر خلاق و نوآور موتور خلق ایده و دانش جدید است، در بسترسازی برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، بسیار مؤثر است.

فرهنگ ذهنی (ذهنیت‌های فرهنگی): این شاخص به‌وسیله بعد نگرش که دارای مؤلفه‌های نگرش به علم‌آموزی و نگرش به سخت‌کوشی است، موردبررسی قرار می‌گیرد. نگرش علمی

1- Todaro

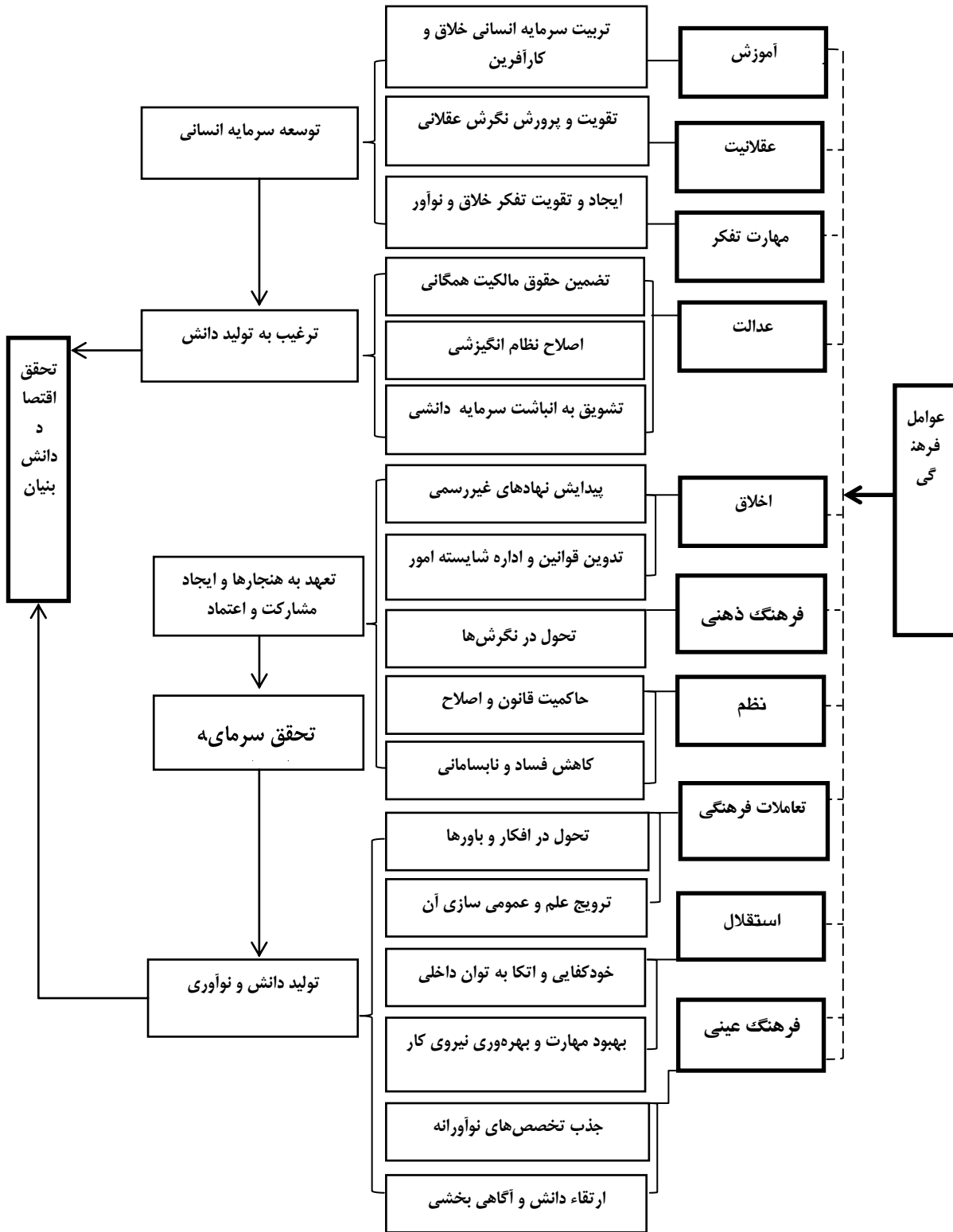
2- Paul Romer

3- Thomas Dixon

اولین و مهم‌ترین خصیصه‌ای است که جریان توسعه از جنبه فرهنگی بدان نیاز دارد و حاکم بودن آن بر فرهنگ جامعه به این معناست که انسان‌ها باید به مجموعه آراء فرهنگی خود این تفکر را اضافه کرده باشند که هر حادثه‌ای علت یا عللی دارد که قابل کشف است و کشف آن‌ها باید به روش علمی صورت گیرد. لازمه چنین نگرشی حذف عناصر خرافی و ضد توسعه از فرهنگ جامعه است، به طوری که در چنین وضعی، دیگر کسی طرفدار بی چون و چرای حفظ سنت‌ها نباشد، بلکه در راستای اعتقاد به توسعه و ضرورت رسیدن به آن، هر کس درصدد کسب دانش و تخصص لازم و ایفای نقشی مؤثر برای دستیابی به این هدف باشد. در این زمینه، روحیه استقبال از تغییر و گرایش به سمت پویا و نوآوری در جوامع پیشرفته یک ارزش محسوب می‌شود و این وظیفه را بر عهده نظام آموزشی قرار می‌دهد تا افراد را از دوران کودکی برای زندگی در محیطی پر تحول و تغییرپذیر آماده سازد (Khalilian, 1999). اگر جامعه به دنبال تقویت بنیه‌های علمی باشد باید جایگاه ویژه‌ای برای علم قائل شود و نگرش به علم آموزی و علم‌پذیری نیز در افراد پرورش یابد. نگرش به علم آموزی به معنای حقیقی کسب علم و دانش، و کاربرد آن در حل مسائل است. اگر هدف از علم آموزی فقط در راستای کسب موقعیت اجتماعی و شغل باشد، نه تنها علم به معنای واقعی و حقیقی خود بارور نمی‌شود بلکه تبعات ناخوشایندی در همه جوانب را به دنبال خواهد داشت.

فرهنگ عینی: این بخش که عینیت‌های فرهنگی جامعه را به تصویر می‌کشد که از جمله این موارد می‌توان به فضاها، فرهنگی (کتابخانه‌ها، سینما، موزه، انجمن‌های فرهنگی و ...)، سرمایه فرهنگی (تعداد کتاب، مدرک تحصیلی، صنایع فرهنگی و خلاق، اثر هنری و مهارت عملی و ...) و هنجارهای عینی (مدارای اجتماعی، انگیزه پیشرفت، پشتکار و ...)، سیاست‌ها (سند چشم‌انداز، اسناد توسعه و قانون اساسی) و آموزش عالی (دانشجو، هیئت علمی و ...) مشخص شده است. به طور اجمالی این پژوهش بر هنجارهای عینی به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان نسبت به دیگر عوامل عینی متمرکز است. در ادامه مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ ترسیم شده است.

نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش



منبع: یافته‌های پژوهش

پیشینه پژوهش

استیگلیتز (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان سیاست‌گذاری عمومی مناسب برای اقتصاد دانش‌بنیان، ضمن بررسی نقش دانش در روند توسعه و نقش محوری فرهنگ در اقتصاد دانش‌بنیان با روش نهادگرایی، بر جنبه‌های ناملموس دانش (دانش ضمنی)، نهادها و فرهنگ در فرآیند توسعه تأکید می‌کند. به عقیده او داشتن یک چهارچوب نهادی مناسب کلید توسعه است و توسعه و موفقیت در اقتصاد دانش‌بنیان مستلزم تغییرات فرهنگی است. نرت^۱ (۲۰۰۶) در پژوهش نظری خود با عنوان فرهنگ به‌عنوان رکن چهارم توسعه پایدار استدلال می‌کند فرهنگ به‌عنوان یک مقوله انسانی، نقش بارزی در توسعه پایدار و امنیت محیطی، کمک به سلامت فکری، عاطفی، اخلاقی و معنوی افراد دارد که باید به‌عنوان رکن اصلی توسعه پایدار تلقی شود. همچنین صنایع فرهنگی به دلیل ایجاد بازدهی در ایجاد اشکال مختلف اشتغال، تولید و صادرات و تسهیل توسعه به‌عنوان یک منبع مهم استراتژیک در حرکت به سمت ایجاد گزینه‌های توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. راموکا^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی فرهنگ را به‌عنوان یک عامل رشد اقتصادی و محیطی برای عملکرد اقتصادی و اجتماعی و جزء تأثیرگذار برای زندگی اقتصادی معرفی کند. از یافته‌های این پژوهش این است که رشد اقتصادی نابرابر در برخی کشورها مانند یونان، مجارستان و پرتغال با وجود تئوری هم‌گرایی، نظام‌های اقتصادی مشابه اما عملکردهای متفاوت به دلیل وضعیت فرهنگی است که با ایجاد محیط‌های مختلف برای عوامل رشد مشابه، موجب برانگیختن عمل متمایز می‌شود. فتح‌اللهی و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی به بررسی چارچوب نظری مناسب برای درک و تحلیل مسائل اقتصادی در اقتصاد مبتنی بر دانش انجام دادند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مناسب‌ترین چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به اقتصاد مبتنی بر دانش، چارچوبی است که به‌اندازه کافی واجد شرایط و کارایی کافی برای تجزیه و تحلیل و بررسی نهادها و روابط علی بین آن‌ها را دارد؛ بنابراین به‌منظور حل مسائل مربوط به اقتصاد، به روش اقتصادی نهادی نیاز داریم که دارای قابلیت‌های تحلیلی باشد. حداد (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان اقتصاد دانش‌بنیان: ویژگی‌ها و ابعاد، ضمن تعریف اقتصاد دانش‌بنیان و بیان ویژگی‌های آن بر اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان

1- Nurse

2- Ramocka

منبع رشد اقتصادی و رقابت در همه بخش‌های اقتصادی تأکید می‌کند. همچنین به معرفی رژیم نهادی و مشوق اقتصادی، آموزش، سیستم نوآوری، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان چهار ستون اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته است. مؤمنی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان پاشنه آشیل توسعه با مروری بر محورهای اصلی اندیشه نهادگرایی و معرفی اقتصاد دانش‌بنیان به نقش مهم نهادها در عصر دانایی تأکید می‌کند. همچنین نقش نهادها و تغییرات نهادی در کاهش عدم اطمینان و هزینه مبادله به وجود آمده ناشی از انقلاب دانایی را مهم می‌شمارد. جایگزین شدن توانایی‌های فکری و مغزی انسان بر توانایی‌های فیزیکی در عصر حاضر اهمیت توجه هر چه بیشتر به نقش نهادها و سرمایه اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند. داداش پور و یوسفی (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه تطبیقی جایگاه مناطق کشور بر مبنای توسعه دانش‌محور پرداختند. نتایج، حاکی از عدم تعادل شدید میان مناطق کشور در زمینه ظرفیت توسعه مبتنی بر دانش است. مناطق مرکزی کشور دارای وضعیت بهتری بوده است. این روند نشان‌دهنده نابرابری‌های فضایی در توسعه دانش‌محور است که ضرورت و لزوم بازنگری سیاست‌ها و برنامه ریزی برای کاهش فاصله میان مناطق کشور را در میان سیاست‌گذاران کشور بازتاب می‌دهد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مطالعات پیشین شامل دو بخش مجزا است: یک بخش به حوزه فرهنگ و نقش آن در مقوله‌هایی همچون رشد و توسعه پرداخته است. بخش دیگر مطالعات انجام شده در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان، بررسی ویژگی‌ها، ارکان و اهمیت این نوع از اقتصاد است. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر بر این مبناست که به بررسی عوامل فرهنگی و نقش این عوامل در اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه می‌پردازد که تاکنون موضوع پژوهش‌های محققین نبوده است.

بنابراین ضروری است که در این راستا به عوامل فرهنگی توجه ویژه نمود؛ زیرا فرهنگ به‌مثابه ریشه درخت توسعه تلقی می‌شود (Azimi, 2012: 402) و جهت تحقق این الگوی نوین تولید ابتدا باید بستر فرهنگی لازم آن را فراهم نمود.

روش پژوهش

به منظور دستیابی به هدف پژوهش، در مرحله اول برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و مبانی نظری به کتب، مقالات داخلی و خارجی، پایان‌نامه‌ها و همچنین پایگاه‌های

اطلاعاتی رجوع شده است. در این بخش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رجوع به مبانی نظری، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی استخراج گردید. همچنین برای اطمینان خاطر از جامع بودن شاخص‌های استخراج شده از اسناد بالادستی، شامل؛ برنامه ششم توسعه، مطالعات آمایش استان کرمانشاه و شاخص‌های تدوین شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده شد. این شاخص‌ها، با استفاده از مصاحبه حضوری با خبرگان و متخصصین دو حوزه فرهنگ و اقتصاد دانش‌بنیان پالایش شد. خروجی این مرحله ۱۷ عنوان شاخص فرهنگی و ابعاد و مؤلفه آن‌ها بود. در مرحله دوم برای ارزیابی اهمیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی از پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (گویه‌های خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵) استفاده شد. این پرسشنامه توسط ۱۴ نفر از خبرگان تکمیل شد. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS استخراج شد. از ۱۷ شاخص اصلی مرحله اول، ۱۰ شاخص مورد اجماع نظر خبرگان قرار گرفت. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد.

در مرحله سوم پژوهش، به منظور اولویت‌بندی ۱۰ شاخص انتخابی در مرحله اول، از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره و به‌طور خاص، روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)^۱ کمک گرفته شد. در مرتبه اول سلسله‌مراتب، هدف پژوهش با عنوان شناسایی اولویت‌بندی عوامل فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه قرار می‌گیرد. سطح اول، شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر تصمیم‌گیری یعنی شاخص‌های مقایسه قرار گرفته است. در سطح دوم نیز ابعاد مربوط به شاخص‌های فرهنگی قرار می‌گیرند، و سطح آخر همان مؤلفه‌های فرهنگی می‌باشند، قرار دارند. سلسله‌مراتب مربوطه در جدول (۱) قابل مشاهده است. در این مرحله، از پرسشنامه‌های زوجی برای کسب نظر صاحب‌نظران اقتصاد دانش‌بنیان استفاده شد.

پرسشنامه دوم که به صورت پرسشنامه زوجی طراحی شده بود، توسط ۲۰ نفر از خبرگان تکمیل شد. برای شناسایی متخصصین و خبرگان، از ترکیب دو روش هدفمند قضاوتی و گلوله برفی بهره گرفته شد. جامعه آماری در برگیرنده افراد زیر است:

- اعضای هیئت علمی دانشگاه رازی آشنا به مباحث فرهنگ و اقتصاد دانش‌بنیان (گروه‌های

اقتصاد و جامعه‌شناسی)

- کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه
 - کارشناسان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - کارشناسان مرکز خدمات سرمایه‌گذاری و سایر خیرگان و متخصصین در دسترس، آشنا به مباحث فرهنگ و اقتصاد دانش‌بنیان
- داده‌های پرسشنامه‌های زوجی به کمک نرم‌افزار اکسپرت چوئیس^۱ استخراج شد. سنجش و اعتبار پرسشنامه زوجی نیز توسط نرخ ناسازگاری تعیین شده است که در صورت کمتر بودن از ۰.۱ دارای پایایی و پذیرفته می‌شود.

یافته‌ها

در جدول زیر وزن شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی و ضریب ناسازگاری هریک به ترتیب اولویت ارائه شده است.

همچنانکه ملاحظه می‌شود، آموزش به‌عنوان رکن اصلی و یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد دانش‌بنیان محسوب می‌شود که نقش برجسته و سازنده‌ای در ایجاد یک جامعه دانش‌محور ایفا می‌نماید و در بین ۱۰ شاخص اصلی با سهم ۲۸ درصدی در اولویت نخست جای دارد. در بین مؤلفه‌های آموزش، آموزش ابتدایی با فاصله سه برابری (۵۶ درصد در مقایسه با آموزش متوسطه با ۱۸ درصد) از دیگر مؤلفه‌ها به لحاظ قدرت تعیین‌کنندگی در اقتصاد دانش‌بنیان قرار دارد.

شاخص عقلانیت پس از آموزش با سهم ۱۴ درصدی در رتبه بعدی به لحاظ تأثیر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در استان کرمانشاه قرار دارد. در بین ابعاد شاخص عقلانیت، مهم‌ترین بعد جایگاه علم و دانش (۲۴ درصد) است و مهم‌ترین مؤلفه این بعد به علم باوری (۳۰ درصد) اختصاص دارد.

جدول ۱- رتبه‌بندی شاخص، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی

رتبه	شاخص فرهنگی ^۱	وزن شاخص	ابعاد	وزن	نرخ ناسازگاری	مؤلفه‌ها	وزن	نرخ ناسازگاری						
۱	آموزش	۰/۲۸	-	-	۰/۰۲	ابتدایی	۰/۵۶۴	۰/۰۳						
						متوسطه	۰/۱۸۲							
						عالی	۰/۱۲۸							
						یادگیری مادام‌العمر (ضمن خدمت)	۰/۱۲۶							
۲	عقلانیت	۰/۱۳۷	خلاقیت و نوآوری	۰/۱۳۸	*	علم باوری در حل مسائل	۰/۳۹۵	۰/۰۰۹						
						جایگاه تحقیق و پژوهش	۰/۱۹۲							
						به‌کارگیری نخبگان و مبتکران	۰/۱۶۶							
						منزلت اجتماعی دانش و دانشمند	۰/۱۴۶							
						استفاده از تجارب علمی	۰/۱۲							
						سرانه مطالعه روزانه	۰/۰۸۲							
						آینده‌نگری	۰/۱۵۲	۰/۱۵۲	۰/۱۵۲	۰/۱۵۲	نگرش برنامه‌ای	۰/۱۵۲	-	
						بهره‌وری	۰/۱۳۹	۰/۱۳۹	۰/۱۳۹	۰/۱۳۹	کیفیت گرای	۰/۱۳۹	-	
						۳	مهارت تفکر	۰/۰۹۶	-	-	-	فرهنگ حمایت از کارآفرینی و خلق ثروت	۰/۳۴۳	۰/۰۰۲
												تأمین زیرساخت‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها	۰/۲۹۵	
گسترش روحیه ابتکار و نوآوری	۰/۱۸۳													
اصلاح ساختار به نظام پاداش‌دهی به سمت تشویق ابتکار و نوآوری	۰/۱۷۹													
تفکر و تأمل	۰/۱۲۲	۰/۱۲۲	۰/۱۲۲	توجه به واقعیت‌ها و شرایط موجود	۰/۷۴۰							۰		
بصیرت	۰/۱۰۸	۰/۱۰۸	۰/۱۰۸	عبیرت‌آموزی	۰/۲۶۰							۰		
حرفه‌گرایی	۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	آزاداندیشی	-	۰							
۴	عدالت	۰/۰۸۶	عدالت قضایی	۰/۳۰۷	۰/۰۲	تفکر خلاق و نقاد	-	۰						
						اجرای عادلانه قوانین	۰/۵۲۴							
						عدالت اقتصادی	۰/۲۹۷	*	عادلانه بودن قوانین	۰/۴۷۶	۰			
						دسترسی برابر به اطلاعات و موقعیت‌های اقتصادی	۰/۶۵۶							
						عدالت اجتماعی	۰/۲۵۹	*	توزیع عادلانه ثروت و درآمد	۰/۳۴۴	۰			
						حاکمیت قانون برای همه	۰/۷۳۲							
						عدالت فرهنگی	۰/۱۳۷	*	فرصت‌های برابر به موقعیت‌های اجتماعی	۰/۲۶۸	۰			
						دسترسی یکسان به فرصت‌های آموزشی	۰/۶۸۳							
						دسترسی یکسان به امکانات فرهنگی	۰/۳۱۷	۰						

۱ - نرخ ناسازگاری مقایسه شاخص‌های فرهنگی ۰/۰۲ است.

۲ - وجود علامت* در قسمت‌هایی از جدول بیانگر تکرار نرخ ناسازگاری مقایسه ابعاد یک شاخص است. به طور مثال مقایسه ابعاد عقلانیت دارای نرخ ناسازگاری ۰/۰۲ است.

جدول ۲- رتبه‌بندی شاخص، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی

ردیف	شاخص فرهنگی	وزن شاخص	ابعاد	وزن	نرخ ناسازگاری	مؤلفه‌ها	وزن	نرخ ناسازگاری
۵	اخلاق	۰/۰۸۱	اقتصادی	۰/۳۳۳	*	شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها	۰/۳۹۴	۰/۰۰۹
						تقدم منافع اجتماعی بر منافع فردی	۰/۳۲۹	۰/۰۰۳
						پرهیز از مفاسد اقتصادی (رشوه، ربا)	۰/۲۲۶	
						پرهیز از مداخله در امور غیر تخصصی	۰/۱۶۰	
						تولید ثروت حلال به‌عنوان یک ارزش	۰/۱۵۱	
۶	فرهنگ ذهنی	۰/۰۷۵	نگرش	-	-	صدافت و درستکاری	۰/۷۹۲	۰
						وجدان کاری	۰/۲۰۸	
۷	نظم	۰/۰۷۴	قانونمندی	۰/۴۹۹	۰/۰۰۲	نگرش به علم آموزی	۰/۶۱۷	۰
						نگرش به سخت کوشی	۰/۳۸۳	
						احترام به مالکیت	۰/۳۹۹	۰/۰۰۲
			امنیت	۰/۳۱۴	*	پایبندی حکومت به قانون	۰/۳۵۶	
						عمل به تعهدات قانونی	۰/۲۴۵	
						امنیت حریم شخصی	۰/۵۰۶	۰/۰۰۴
			تعهد به هنجارها	۰/۱۸۷	*	امنیت مرزهای جغرافیایی	۰/۲۹۷	
						پیشگیری از جرائم سازمان یافته، بزه و...	۰/۱۹۷	
						اصالت دادن به حق در مقابل اشخاص	۰/۴۵۴	۰/۰۰۳
						مسئولیت پذیری	۰/۲۸۶	
۸	استقلال	۰/۰۶۲	استقلال علمی	-	-	پایبندی به ارزش‌ها	۰/۲۵۹	
						احترام به علم و دانش	۰/۲۰۹	
						احترام به فکر و اندیشه	۰/۱۹۴	
						اهتمام به کشف استعدادها و خلاقیت‌ها و تربیت نیروی انسانی	۰/۱۷۵	۰/۰۰۱
						گسترش روحیه ابتکار و پژوهش	۰/۱۷	
						اهتمام به تولید علم و جنبش نرم‌افزاری	۰/۱۶۹	
۹	تعاملات فرهنگی	۰/۰۶۲	ارتباطات رسانه‌ای	-	-	اعتقاد به توان خودی در توسعه علمی و صنعتی کشور	۰/۰۸۳	
						اینترنت	۰/۶۲۷	۰/۰۰۶
						مکتوبات	۰/۲۳۵	
۱۰	فرهنگ عینی	۰/۰۴۶	-	-	-	شبکه‌های ماهواره‌ای	۰/۱۳۸	
						خرده‌ورزی	۰/۳۵	۰/۰۰۳
						پشتکار	۰/۲۴۸	
						مدارای اجتماعی	۰/۲۲۷	
						انگیزه پیشرفت	۰/۱۷۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

مهارت تفکر، عدالت و اخلاق به ترتیب با سهم (۹/۶)، (۸/۶)، (۸/۱) درصد از یکدیگر رتبه‌های سوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. مهم‌ترین بعد شاخص عدالت بعد عدالت قضایی است. همچنین مهم‌ترین مؤلفه بعد عدالت قضایی، اجرای عادلانه قوانین است. همچنین مهم‌ترین بعد این شاخص اخلاق بعد سیاسی با مؤلفه شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها است.

فرهنگ ذهنی و نظم اجتماعی با سهم ۷/۵ و ۷/۴ درصد (اولویت ششم و هفتم) در تحقق این الگوی نوین تولید ایفاگر نقش خواهند بود. مهم‌ترین مؤلفه فرهنگ ذهنی، نگرش به علم‌آموزی (۶۱ درصد) است. همچنین بعد قانونمندی با سهم ۵۰ درصد در بین ابعاد شاخص نظم در اولویت اول قرار گرفته است. مهم‌ترین مؤلفه بعد قانونمندی نیز، احترام به مالکیت خصوصی با سهم ۴۰ درصد است.

استقلال علمی و تعاملات فرهنگی در رتبه‌های هشتم و نهم که دارای وزن یکسانی (۶/۲ درصد) می‌باشند. نکته قابل توجه آن است که بعد عینی فرهنگ در رتبه آخر به لحاظ تأثیرگذاری بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان قرار دارد. نرخ ناسازگاری ۲ درصد نیز گویای سازگاری بین نتایج است. اولویت هریک از شاخص‌های فرهنگی، ابعاد و مؤلفه‌ها در جدول (۱) قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری و بحث

در تمامی اسناد بالادستی کشور و استان کرمانشاه بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان تنها مسیر توسعه کشور و استان تأکید شده است. تحقق اقتصاد دانش‌بنیان نیز نیازمند تحول فرهنگی است. طی موفقیت‌آمیز مسیر تحول فرهنگی مستلزم شناخت ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر اقتصاد دانش‌بنیان است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها انجام شد. بر اساس نتایج این پژوهش، اولویت‌های فرهنگی مؤثر بر اقتصاد دانش‌بنیان که باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه استان مورد توجه قرار گیرند، به ترتیب اولویت به شرح زیر است:

۱. آموزش: بر اساس نتایج به دست آمده مهم‌ترین شاخص فرهنگی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، نهاد آموزش است که بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است. نظریه عظیمی مؤید آن است که اگر قرار است فرآیند توسعه از بنیان و ریشه انجام شود، عاقلانه‌ترین کار شروع از

بخش فرهنگ و آموزش است (Chaharband, 2010: 41). آموزش به‌عنوان عامل اساسی رقابت‌پذیری و ساختار کلیدی اقتصاد دانش‌بنیان محسوب می‌شود که نقش اساسی در تربیت و پرورش نیروی انسانی ماهر و انعطاف‌پذیر ایفا می‌نماید (Radwan & Pellegrini, 2010). در واقع برخورداری از نیروی کار ماهر و تحصیل‌کرده برای ایجاد کارایی، اکتساب، انتشار و به‌کارگیری دانش ضروری است و منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید و از این‌رو منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود (Chen & Dahlman, 2005). براساس نتایج این پژوهش از مقاطع آموزشی، آموزش پایه مهم‌ترین حلقه نظام آموزشی به‌شمار می‌رود که با فرهنگ و نهادهای فرهنگی درهم آمیخته شده است و به‌واسطه شکل‌دهی ذهنیت، نگرش افراد و تربیت نیروی خلاق و کارآفرین در راستای تحقق آخرین نسخه توسعه و همگام با دانش روز، نقش بسزایی ایفا می‌کند. آموزش پایه با پوشش بخش عمده جمعیت و پیش‌نیاز مقاطع آموزشی بالاتر، شکل‌دهنده تفکر بدنه اصلی اجتماع است که عصر دانایی نیازمند همین مشارکت آگاهانه و حداکثری جمعیت است؛ بنابراین اگر در این مقطع ضعیف عمل شود، شاهد پیامدهای مخرب آن در مقاطع بعدی خواهیم بود (Chaharband, 2010, p. 5). آموزش پایه با تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآزموده باعث تقویت بنیان‌های سرمایه انسانی می‌شود که با ایجاد نهاد علم‌باوری و سرمایه اجتماعی به تحقق اقتصاد دانش‌بنیان می‌انجامد.

۲. عقلانیت: یکی از پیش‌نیازهای مهم تحقق اقتصاد دانش‌بنیان عقلانیت است. برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، باید بنیان ذهنی انسان‌پذیرای تغییرات جهت‌پیشرفت و توسعه در یک جامعه باشد. این نیز باید با آگاهی و بصیرت صورت می‌گیرد. بصیرت و آگاهی نیز مستلزم اتکا بر علم است. از طرفی عقلانیت اصالت را به علم می‌دهد و بنابراین عقلانیت به‌عنوان یک اصل بسیار مهم در این نوع اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌منظور تحقق توسعه با مضمون اقتصاد دانش‌بنیان رجوع به عقل و تفکر و به عبارتی پرورش و تقویت نگرش عقلانی و علمی شاخص عقلانیت در افراد جامعه ضروری است زیرا تولید علم و دانش به تفکر و اندیشه‌ورزی و رهیافت عقلانی متکی است.

۳. مهارت تفکر: توسعه‌یافتگی امری داخلی، پدیده جمعی و هدفی عظیم است که نیازمند بالاترین درجات هماهنگی و مشارکت است. مکان اصلی این هماهنگی و انطباق در فکر و اندیشه و تفکر انسان است. به عبارتی برای هماهنگ شدن عمل افراد باید هماهنگی و همسویی در فکر و

اندیشه آنان ایجاد گردد (Sariolghalam, 2007, p. 56). در نتیجه هماهنگی فکر و اندیشه موجب شکوفایی خلاقیت و نوآوری می‌شود و دستیابی به الگوی دانش‌بنیان را میسر می‌سازد.

۴. عدالت: عدالت از نشانه‌های بارز عقلانیت و سلامت فکری و اخلاقی هر جامعه تلقی می‌شود. همچنین به‌عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه همه‌جانبه، بستر ساز همه کمالات، فضیلت‌ها و حافظ حقوق و کرامت انسانی است و پیش شرطی برای تأمین نیازها به شمار می‌رود (Afjahi, et al., 2014: 22). عدالت از دو مجرا بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر می‌گذارد؛ اول از منظر بستر سازی دسترسی یکسان همگان به امکانات عمومی به‌ویژه امکانات آموزشی و بهداشتی، و در نتیجه تحقق توسعه انسانی که یکی از بسترهای نهادی اصلی دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان است و دوم، برقراری شرایط یکسان برای همگان به‌منظور امکان‌پذیری حضور در رقابت عادلانه.

۵. اخلاق: بر اساس مدل چهار سطح تحلیلی ویلیامسون بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مؤثر بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان همچون اجتناب از تصدی و مداخله در امور غیر تخصصی، راستگویی، درستکاری، ممنوعیت فرصت‌طلبی و سواری مجانی و روحیه دگر خواهی، موجب پیدایش نهادهای غیررسمی مولد توسعه در سطح اول می‌گردند. نهادهای غیررسمی شکل گرفته در سطح اول، به پیدایش برخی قوانین مانند قوانین ناظر بر اعطای دستمزدها و پاداش‌های اجتماعی بر اساس میزان علم و دانایی افراد و غیره در سطح دوم منجر می‌گردد. بر اساس قوانین سطح دوم اداره شایسته امور در جامعه صورت می‌گیرد و در نهایت نتایج حاصل شده در سه سطح قبلی به تحقق جامعه دانایی‌محور در سطح چهارم، ختم می‌گردد (Fathollahi et al., 2015). از سوی دیگر تولید دانش و در پی آن خلق ثروت در الگوی تولید دانایی‌محور، نیازمند مشارکت و همکاری افراد در حوزه‌های تخصصی مختلف در قالب یک تیم است و هم‌افزایی ناشی از کار تیمی بدون برخورداری از الگوهای ذهنی خاصی همچون، روحیه تقدم منافع اجتماعی بر منافع فردی، عدم توجه صرف به منافع شخصی و برخورداری از انصاف و وجدان کاری، امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، در غیاب ارزش‌های اخلاقی مذکور، نمی‌توان به تولید دانش در سطحی گسترده و در نهایت، تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، امیدوار بود.

۶. ذهنیت فرهنگی (نگرش‌ها): نگرش به‌عنوان مهم‌ترین اصل در روند توسعه به شمار می‌رود. همان‌طور که وبر و پارسونز از صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی بر نقش باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، و به‌طور کلی، نظام‌های فرهنگی در تحقق توسعه تأکید نموده‌اند (Weber, 1904).

طبیعی است با وجود افزایش امکانات کشور، سرانجام نوع نگرش و فعالیت مردم چگونگی توسعه را تعیین خواهد کرد (Sariolghalam, 2007, p. 56). در واقع زمانی که جامعه همه امکانات را در راستای تحقق توسعه دارا باشد اما نگرش افراد از توسعه و آینده شکل نگرفته باشد قطعاً مسیر توسعه را ناهموار می‌سازد. تغییر و تحولات و حرکت از یک وضعیت به وضعیت دیگر نگرشی خاص می‌طلبد. نگرش افراد هم به عنوان پیش برنده و هم به عنوان مانع توسعه به شمار می‌رود. با توجه به اینکه اقتصاد دانش‌بنیان به دنبال تولید علم و دانش، توزیع و کاربرد آن در مسائل می‌باشد؛ بنابراین ضروری است نگرش کسب علم در افراد نهادینه شود؛ به عبارتی در این جامعه بسیاری از سنن و رسوم غلط کمرنگ و به تدریج حذف شوند و علم و نگرش علمی جایگزین آن شود و گامی در تولید دانش و ایده و در جهت بهسازی و پیشرفت آن جامعه برداشته شود.

۷. استقلال: کسب استقلال معیاری مهم و ارزشمند است که دستیابی به اهداف جامعه همچون اقتصاد دانش‌بنیان در سایه آن میسر می‌گردد. استقلال موجب کاهش وابستگی جامعه در همه عرصه‌ها، تکیه بر نیروهای علمی و داخلی، جلوگیری از فرار مغزها در جامعه می‌شود. همچنین بلوغ استقلال در جامعه بخصوص در عرصه علمی موجب افزایش توان علمی کشور، شکوفایی خلاقیت‌ها و استعدادها، ایجاد اشتغال، گسترش ظرفیت تولیدی و کاهش بیکاری، تقویت روحیه مشارکت و همکاری، افزایش بهره‌وری و کارایی نیروی کار می‌شود. در نهایت همه این عوامل به تولید دانش و تقویت سرمایه فکری به عنوان هسته اصلی اقتصاد دانش‌بنیان منجر می‌شوند.

۸. نظم: نظم از مجرای حاکمیت قانون و ضوابط بر رفتارهای افراد و کنترل خشونت، بستر ساز توسعه با هر مضمونی از جمله توسعه دانش‌بنیان است. در واقع حاکمیت قانون و برقراری نظم موجب اصلاح ساختارها، کاهش فساد و نابسامانی و ایجاد ارتباطات و تعاملات بین افراد جامعه می‌شود، در نتیجه تعهد به هنجارها و اعتماد و مشارکت بین افراد را فراهم می‌سازد که زمینه‌ساز نوآوری و تولید دانش و اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود.

۹. تعاملات فرهنگی: رسانه‌ها علاوه بر نقش ارائه اطلاعات و آموزش برای یادگیری، می‌توانند با تغذیه از منابع اصلی علمی خود (مدارس، موسسه‌های پژوهشی، آموزش عالی و سازمان‌های علمی) به ترویج علم پردازند. همچنین به عنوان ابزار تعلیمی همراه با روش آموزشی خاص، موجبات ارتقای دانش عمومی، آگاهی بخشی، توانمندسازی، سوادآموزی و آموزش رسانه‌ای را

فراهم آورند و ضمن حفاظت از هسته فرهنگ، به ارتقای لایه‌های زیرین فرهنگ پردازند. در نهایت زمینه ارتقای سوادآموزی رسانه‌ای را از رهگذر توصیف مهارت‌ها و قابلیت‌های موردنیاز برای توسعه آگاهانه و مستقل در محیط جدید ارتباطی دیجیتال، جهانی و چندرسانه‌ای جامعه دانشی به وجود آورند (Carlsson et al. 2008, p. 126). در نتیجه در این عصر که عصر انقلاب در ارتباطات شناخته شده است، رسانه‌ها به عنوان قدرتمندترین ابزار برای ایجاد تحول در بینش و نگرش‌ها، افکار و اندیشه‌های افراد جامعه، گسترش علم و عمومی‌سازی آن، دسترسی سریع به دانش و اطلاعات، افزایش مهارت و خلاقیت و ایجاد کسب و کارهای نوین به شمار می‌روند که در سایه ارتباطات رسانه‌ای، جریان انتشار اطلاعات و دانش تسهیل می‌شود.

۱۰. فرهنگ عینی: این بخش مؤید عینیت‌های فرهنگی جامعه از قبیل کتابخانه، صنایع خلاق و ... است. کتابخانه‌ها به عنوان مراکز اطلاعاتی و آموزشی به واسطه تولید، انتشار و توزیع دانش و بالابردن سطح آگاهی و اندیشه مردم نقش ارزشمندی ایفا می‌کنند (Ahmadi & Salehi, 2011, p. 443). این گنجینه مهم با خلاقیت و نوآوری و انسجام پاره‌های دانش در ذهن افراد موجب ایجاد و فکر و اندیشه و نوآوری می‌شوند (Nourozi & Kamali, 2009). صنایع خلاق بخشی از سیستم نوآوری هستند که محرک و هماهنگ‌کننده رشد و پیشرفت فرآیند دانش است که ارزش آن‌ها در توسعه و اتخاذ دانش جدید نهفته است (Potts & Cunningham, 2010). صنایع خلاق و نوآور به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان موجب رشد و توسعه پایدار و ایجاد اشتغال می‌گردند. همچنین با تکیه بر صنایع فرهنگی خلاق می‌توان علاوه بر ارتقاء سرمایه فرهنگی، به جذب تخصص‌های نوآورانه و مبتکرانه پرداخت و طبقات خلاق و متفکر را در جامعه ایجاد نمود (Sephrnia et al., 2012)؛ و از طریق افزایش نوآوری بستر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را مهیا نمود. به طور کلی با توجه به اینکه فرهنگ، انتقال دانش، ارزش‌ها و دیگر عوامل مؤثر بر رفتار از طریق آموزش و تقلید از نسلی به نسل دیگر تعریف می‌شود (North, 1990, p. 79)؛ بنابراین آموزش با پرورش و تربیت افراد خبره و توانمند موجب پرورش نگرش عقلانی و تغییر ذهنیت (نگرش) افراد می‌شود. هماهنگی در نگرش افراد به عقیده ماکس وبر نوعی خرد جمعی با نام عقلانیت ایجاد می‌کند (Yeganeh & Labibi, 2011, p. 106). از طرفی حاکمیت عقلانیت در جامعه به ایجاد نظم اجتماعی و پایداری آن و عدالت منجر می‌شود. وجود نظم، تعهد به هنجارها و اعتماد و مشارکت پدید می‌آورد که در سایه آن به تبادل و اشتراک گذاری دانش و در نهایت

تحرك دانش ايجاد مي‌شود و از مجرای نوآوری اقتصاد دانش‌بنیان ايجاد می‌شود.

References

- [1] Azimi (Arani), H. (2012). *Iran's economy: Development, planning, politics and culture*, Second Edition, Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- [2] Afjahi, S.A.A., TaghiPurfar, V., Azar, A., & Jafarpour, M. (2014). Comprehensive Model of Organizational Justice Applying Islamic, Approach. *Management Studies in Development and Evolution*, 23(74), 21-47. (In Persian).
- [3] Ahmadi, A. A., & Salehi., A. (2011) *.knowledge management*, Publisher : Payam Noor. (in Persian).
- [4] Babaei Fard, A.(2010). Cultural Development and Social Development in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 10 (37) :7-56.(In Persian).
- [5] Bedford, A.D. (2013). Expanding the definition and measurement of knowledge economy: Integrating triple bottom line factors in to knowledge economy index models and methodologies. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 9(2): 278-286.
- [6] Carlsson, U., Tayie, S., Jacquinet-Delaunay, G., & Tornero, J.M.P.(2008). *Empowerment through Education: An Intercultural Dialogue*, Publisher: Nordicom.
- [7] Chun, H.Y., Jiabin, L.K., Ching, L.H., & Heng, T.J. (2017). *Linkage between the Role of Knowledge and Economic Growth: A Panel Data Analysis*. Final Year Project, UTAR.
- [8] Chaharband, F. (2010). *The role of basic education in the realization of knowledge-based economy in Iran*, Master Thesis, Allameh Tabatabai University. (In persian)
- [9] Chen, D.H.C., & Dahlman, C.J. (2005). The Knowledge Economy, the Kam Methodology and World Bank Operations, *World Bank Institute Working*, Paper No. 37256, The World Bank Washington DC.
- [10] Dadshpour, H., & Yousefi., Z. (2016).Comparative Analysis on Knowledge-Oriented Development Process in Iran Regions, *Journal of Zonal Planing*, Volume:6 (23) .(In persian).
- [11] Eyvazloo, H. (2005). *Justice and efficiency in adapting to the Islamic economic system*, First Edition, Tehran: Imam Sadegh University. (In persian)
- [12] Fathollahi, J., Momeni, F., Elahi, N., & Najafi, S.M.S. (2015). Appropriate theoretical framework for understanding and analyzing economic issues in knowledge-based economy . *Journal of the Knowledge Economy*. 8(3), PP: 957-976.
- [13] Fathollahi, J., Nagafi, S.M.B., & Mosavi, M. (2015).To explain the relationship between moral values and economic performance in the age of knowledge-based economy, *Islamic Economics & Banking*, 4 (11).PP: 83-110. (In persian)

- [14] Hadad, sh. (2017). Knowledge Economy: Characteristics and Dimensions. *Management Dynamics in the Knowledge Economy*, 5(2), 203-225.
- [15] Khalilian, M.J. (1999). The role of values in the process of economic development, *Comprehensive Portal of Humanities*, No. 28.
- [16] Motusali, M., & Najafi., S.M.B. (2010). Tools for Analyzing and Explaining Economic Problems from the Perspective of Douglas North, *Quarterly Journal of Economics and Society*, 6 (19), 81. (In Persian).
- [17] Motevasseli, M., & Fathollahi, J. (2010). Introduction To the Theories of Williamson and Its Application To the Development Issues in Iran. *QJER*, 10 (3), 25-52. (In Persian).
- [18] Motavaseli, M., Momeni, F., Lajevardi, R., & ranjbar, M.M. (2018). Rationality and Chaos in Planning: An Emphasis on Goulet's Theory of Rationality. *Journal of Economic Research*, 18 (69), 193-225.(In Persian).
- [19] Mo'meni, F. (2009). Achilles heel of development, *economy and society*, 6(19), 261-267. (In Persian).
- [20] Mahmudian, M.R. (2002). *Ethics and justice*, First Edition, Tehran: New design.(In Persian).
- [21] North, D.C. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*.(M.R. Moeini, Trans). Third edition. Tehran: Country Planning and Budget Organization. (in Persian).
- [22] North, D.C. (1996b). Economic Performance through Time: The Limits to Knowledge, *University Library of Munich, Germany Economic History*.
- [23] Nurse, K., (2006). Culture as the Fourth Pillar of Sustainable Development, *Small states: economic review and basic statistics*, 11, 28-40.
- [24] Nourouzi, N., & Kamali. (2009) .The Role of Libraries in Knowledge Society. *Iranian journal of information Processing and Management*, 2 (10): 107-124.(in persian).
- [25] OECD.(1996). The Knowledge-based Economy, paris.
- [26] OECD. (1995). The Implications of the Knowledge-Based Economy for Future Science and Technology Policies, OCDE/ GD (95) 136.
- [27] Potts, J., & Cunningham, S. (2010). "Four models of the creative industries," *Revue d'économie politique, Dalloz*, 120(1),163-180.
- [28] Ramocka, M.,(2010). Culture as an economic growth factor. *Zeszyty Naukowe Małopolskiej Wyższej Szkoły Ekonomicznej w Tarnowie*, 16(2), 117-123.
- [29] Radwan, I., & Pellegrini, G.(2010). *Knowledge, Productivity, and Innovation in Nigeria: Creating a New Economy*.The World Bank: Washington, DC,.
- [30] Stiglitz, J.(1999). Public Policy For Knowledge Economy. (F. Momeni, & V. Ehsani. 2017, Trans.) *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 7(23), 209-235. (In persian).
- [31] Sariolghalam, M. (2007). *Rationality and the future of Iran's development*, Edition: Fifth, Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East. (In persian)

- [32] Sadiku, M. N.O., Nelatury, S. R., & Musa, S.M. (2017). Knowledge Economy. *Journal of Scientific and Engineering Research*, 4(9):291-294.
- [33] Schiliro, D. (2012). Knowledge-based Economies and the Institutional Environment, *Theoretical and Practical Research in Economic Fields (TPREF)*, 3(05), 42-50.
- [34] Stiglitz, J. E. (1999). Public Policy For A Knowledge Economy. *Remarks at the Department for Trade and Industry and Center for Economic Policy Research*, 27(3),3-6.
- [35] Sephehria, R., Delavar, A., & Salehi Amiri., S.R. (2012). Study the relationship between cultural creative industries and promotion of cultural capital in Iran, *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 2 (5). (in persian)
- [36] Thurow, L.C. (2002). *Creating wealth: the new rules for individuals, companies and countries in a knowledge -based economy*, First Edition, (A. Kiavand, Trans), Tehran: Fara Publishing. (In persian).
- [37] Todaro, M. (2014). *Economic development in the third world*. (G. A. Farjadi, Trans.), 22th edition, Tehran: Reflection: Higher Institute for Research in Planning and Development. (In persian).
- [38] Taghavi, M., & Mohammadi, H. (2006). The Impact of Human Capital on Economic Growth in Iran. *Economic Research Journal*, 6(22), 15-43. (In persian).
- [39] UNESCO (2012). Culture: a driver and an enabler of sustainable development: Thematic Think Piece. *UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda*.
- [40] UNESCO (2016). The Globalization of Cultural Trade: A Shift In Consumption. *International flows of cultural goods and services 2004-2013*. UNESCO Institute for Statistics.
- [41] Weber, M. (1904). *The Protestant Work Ethic and the Spirit of Capitalism*. (A.M. Ansari, Trans). First Edition. The Organization for Researching and Compilation University Textbooks in the Humanities (SAMAT). Humanities Research and Development Center (1992).
- [42] Williamson, Oliver. (2002). The Economics of New Institutionalism: Past Achievements and a Look Ahead, (M. Motevasali, Trans), *Journal of Planning and Budget*, 7(1), 3-41. (In persian).
- [43] Javadi Yeganeh, M.R., & Labibi, M.M. (2011). The Sociological View toward Social Order in Metropolises (A Comparative Study of Tehran, London and Bombay) *Iranian Social Development Studies*, 3 (3), 103-122. (In persian).